



راوی نوحه‌های مشکین  
از بین ما رفت



حد و حدود نوحه خوانی را  
یاد بگیریم تا ترانه خوان نشویم

فصلنامه دعبل - برگزیده مطالب پایگاه اطلاع رسانی دعبل - پیش شماره پنجم، دی ماه ۹۰



در سوگ استاد سلیم موزن‌زاده اردبیلی، که نوایش جاودان است

## حنجره‌ای که هم سوز داشت، هم شور

خوش یک نعمت الهی است و برای نگهداری آن باید تلاش کرد. برای حفظ صدای خوش، باید لولا با دستگاه‌های موسیقی آشنا بود و قواعد موسیقایی را رعایت کرد؛ دوم هم اینکه به سراغ مواد مخدر، سیگار و قلیان نباید رفت. باید برای حفظ صدا و ماندگاری آن و قدرت بخشیدن به صدا، از سلامتی بدن مطمئن بود و آن را قدرتمند کرد. صدای رسا نیروی دو چندان می‌خواهد. بهترین صدا آن است که باعث آزار شنونده نشود، بلکه عامل جذب او باشد. گاه مداحانی می‌بینیم که بدون دانستن فنون آواز و موسیقی و رعایت قواعد کلامی، با صدای آزردهنده‌ای، مداحی می‌کنند. اینها هم به خودشان ضرر می‌رسانند و هم موجب آزرده‌گی خاطر عزادار می‌شوند. ■

«پرونده‌ای درباره مرحوم موزن‌زاده اردبیلی را در صفحات بد بخوانید»

تا مخاطبان برنامه رحیم را بشناسند که پسر همان پدر است و... «پسر کو ندارد نشان از پدر، تو بیگانه خوانش مخواست پسر». خلاصه آن می‌شود که خاندان موزن و از جمع آنها سلیم نیز موزن‌زاده اردبیلی می‌شوند.

سلیم موزن‌زاده از محضر استادانی همچون جلیل شهناز، تاج اصفهانی و ابوالحسن خان اقبال آذر بهره برده و تعلیم موسیقی دیده است. به نظر می‌رسد که مرگ او پایان بیش از یک و نیم قرن مدیحه‌سرایی اصیل در خاندان موزن‌زاده باشد.

سلیم موزن‌زاده در مداحی‌هایش بی‌چشمداشت پرداخت‌های مالی نوحه سر داده است. به روایت دیگری مداحی هنر سلیم بود نه شغلش. حجم‌رنگ، انعطاف‌پذیری منحصر به فرد صدای او، نوحه‌هایش را اثرگذار و دلنشین می‌کرد. خودش گفته است: صدای

شعر «هنده» را اولین بار من خواندم و برای خواندن آن بیشتر از ۴۰۰ صفحه کتاب مطالعه کردم تا بدانم واقعیت تاریخی و دینی آن چه بوده است! سلیم موزن‌زاده اردبیلی را نه صرفاً به واسطه صدای خوش و القایی خاص بلکه بیشتر به خاطر دقت و نکته بینی اش در انتخاب شعر و درهم آمیزی توأمان اصالت و نوآوری در نوحه‌هایش می‌شناسند.

برادر بزرگترش رحیم نقل کرده: «زمانی که در اردبیل شناسنامه می‌دادند، به تناسب شغل و حرفه، نام خانوادگی انتخاب می‌کردند. به پدر بزرگم هم گفته بودند تو چه کاره‌ای؟ گفته بود موزن. گفته بودند نام خانوادگی شما موزن است.» پدرشان شیخ عبدالکریم موزن که درگذشت، مدیران رادیو پسرش رحیم را به جای او استخدام می‌کنند. آنها برای شناساندن رحیم به فامیلی‌اش «زاده اردبیلی» اضافه می‌کنند

# مَرابا

بازنشر گفت‌وگو با

استاد سلیم موذن زاده اردبیلی

## نَوای زینب، زینب

### تشییع کنید

آخرین بازمانده از خاندان موذن زاده‌ها؛ خاندانی که آذری‌ها آنها را به نوحه‌های شان و فارس‌ها به اذن‌های جاودانه‌شان می‌شناسند. حاج سلیم موذن زاده، گرچه از لحاظ شناسنامه‌ای، متولد ۱۳۱۵ است. اما در حقیقت تاریخ تولدش به سال ۱۳۱۲ باز می‌گردد. پیرمردی که با وجود چهره جدی‌اش، پراست از مهربانی با سینه‌ای که گنجینه‌ای بی‌بدیل است از تاریخ شفاهی مداحی در ایران و به‌خصوص، در بین آذری‌زبان‌ها، به قول خودش در این مصاحبه مطالبی را بیان کرده که در هیچ گفت‌وگوی دیگری عنوان نکرده‌است. با این وجود چندان پرخرف نیست و سوالاتمان را کوتاه کوتاه پاسخ می‌دهد. وقتی از حسین و عاثورا و به خصوص نوای جاودانه «زینب - زینب» سخن می‌گوید، بی‌اختیار صدایش می‌لرزد و گاه به آرامی سینه‌ای هم می‌زند. انگار برای چند لحظه‌ای از این دنیا جدا می‌شود. با وجودی که بیش از ۸۰ سال از خدا عمر گرفته، هنوز هم به شکل شگفت‌آوری مداحی می‌کند. با چنان صدایی که اگر از دور بشنوبید تصور می‌کنید که این نوحه را جوانی تازه نفس اجرا می‌کند.

✚ استاد راستش را بخواهید این مصاحبه از آن دست گفت‌وگوهایی است که نمی‌دانم از کجا باید شروع کنم. چون شما با وجود شهرت و محبوبیتی که دارید، آقدر کم مصاحبه کرده‌اید که خیلی‌ها مشتاق آشنایی بیشتر با زبر و بم زندگی استاد بی‌بروبر گرد مداحی ایران و حتی جهان تشیع هستند. بنابراین انجام چنین گفت‌وگویی چندان هم ساده نیست. ولی خب؛ شاید بهتر باشد که مصاحبه‌مان را با همین محور یعنی آشنایی بیشتر با زندگی و خط سیری که حاج سلیم طی کرده تا از «سلیم» به «فخرالذاکرینی» برسد، آغاز کنیم. الان و در دهه ۸۰ زندگی به خاطر دارید که از چه سن و سالی مداحی را آغاز کردید و

نخستین جایی که در آن برنامه اجرا کردید کجا بود؟

همانطور که حتما می‌دانید، پدر و برادران من، همگی مداح بودند. یعنی صدای خوب بزرگترین میراث خانوادگی ماست. صلهایی که تا به یاد داریم، در خدمت خاندان اهل بیت است و حجره‌هایی که به عشق امام حسین (ع) به صدا در می‌آید. از زمانیکه به یاد دارم در خانه پدری‌مان در محله تازه شهر اردبیل، محرم‌ها و ایام مذهبی، مراسم عزاداری یا جشن میلاد امامان برگزار می‌شد و به خاطر شهرتی که پدرم در مداحی داشت، همه اهل شهر از کوچک و بزرگ تا مسوولان و... در آن شرکت می‌کردند. خب طبیعی است که در چنین فضایی، ما پنج پسر خانواده هم، با عشق به خاندان اهل بیت و به ویژه آقا ابا عبدالله بزرگ

شویم و پا بگیریم.

از همان کودکی وقتی پدرم، حاج عبدالکریم، علاقه من و برادرانم حاج نعیم و حاج رحیم به مداحی را دید، شروع به آموزش ما کرد. البته خودش هم کاملاً با فوت و فن مداحی آشنا بود و هم دستگاه‌های موسیقی و ردیف و گوشه‌های موسیقی را به خوبی می‌شناخت. بدین ترتیب، پدرم نخستین و بزرگترین معلم و مشوق من و برادرانم بود. ما هم به خاطر شور و شوق کودکی و جوانی، علاقه‌مند بودیم که هرچه زودتر مداحی در دم و دستگاه آقا را آغاز کنیم. پدرمان هم تشویق‌مان می‌کرد. برای همین ما سه برادر از وقتی که خودمان را شناختیم، مداحی می‌کردیم. اما از آنجایی که آن روزها بچه بودیم و خاطرات آن روزها زیاد در ذهنم باقی

نمانده، بادم نیست که نخستین بار کجا مداحی کردم و چند ساله بودم. گرچه فکر می‌کنم که نخستین باری که مداحی کردم، سنم نباید بیشتر از شش، هفت سال بوده باشد.

#### ✦ و کجا تحصیل می‌کردید؟

ما در دوران کودکی در مکتب میرزا عزیز درس می‌خواندیم. این مکتب در محله یساول اردبیل قرار داشت. این مکتب ویژه کودکانی بود که صدای خوبی داشتند. میرزا عزیز از آنها تست می‌گرفت و بعد آنها را قبول می‌کرد. در این مکتب به کودکان هم درس مختلف آموزش داده می‌شد و هم دستگاه‌های موسیقی و آواز و البته کتاب‌های «مقاتل» مستند. در واقع، تحصیل در این مکتبخانه مانند تحصیل در دانشگاه بود. مداحان بسیاری از این مکتب به جامعه مداحان وارد شدند. مداحانی چون: حاج محمد تمدن، حاج رحیم مؤذن و دیگران. بعد از آن هم به همراه برادرانم به مدرسه حاج ابراهیم رقتی، البته برای آموزش موسیقی، از محضر اساتید بسیاری هم کسب فیض کرده‌ام.

#### ✦ مثلاً کدام یک از اساتید؟

مثلاً استاد جلیل شهنواز با تاج اصفهانی و اقبال آذر. همچنین در سفری که به باکو داشتیم، با برخی از اساتید موسیقی آذربایجان هم دیداری داشتیم. اساتیدی چون: هابیل علی‌اف و آقاخان عبدالله‌اف که خدا را شکر، همگی از صدای من تعریف می‌کردند.

#### ✦ و چه شد که به تهران آمدید؟

تا قبل از سال ۱۳۵۹، هر سال به دعوت هیات‌های مذهبی، محرم‌ها به تهران می‌آمدیم و برمی‌گشتم. تا اینکه در این سال منزلی را در خیابان مالک اشتر، اجاره کردم و بدین ترتیب به تهران نقل مکان کردم. بعد هم خدا لطفی کرد و سه سال بعد یعنی در سال ۶۲ موفق شدیم خانه‌ای در خیابان بهبودی بخریم و از مستاجری راحت شویم. البته در اردبیل هم خانه پدری را هنوز حفظ کرده‌ام و در حال حاضر خیلی از روزهای سال را در اردبیل هستیم ولی در عین حال در تهران هم خانه‌ای دارم و می‌آیم و می‌روم. نخستین اجراییم هم در تهران در مسجد مرکزی اردبیلی‌ها در گلوبندک بود.

#### ✦ از بین مداحان آذری زبان، کار کدام یک

از مداحان را بیشتر می‌پسندید و دوست دارید؟ از بین قدیمی‌ها، آثار مرحوم شیخ غفوری و مرحوم حسین قللی دلودی را دوست دارم و از مداحان امروزی کارهای، شهروز اردبیلی، علیزاده، ایمان نژاد، رضوانپور و شهروز حبیبی را بیشتر می‌پسندم.

#### ✦ و از بین مداحان فارسی زبان، چطور؟

در بین مداحان فارسی زبان آثار مرحوم ذبیحی و قصری و از مداحان کنونی نیز حدادیان، برادران طاهری و کریمی را بیشتر گوش می‌دهم و می‌پسندم. حتی با آنها برنامه هم اجرا کرده‌ام.

#### ✦ چرا کمتر از شما اجراهایی به زبان فارسی

می‌بینیم؟

اصلاً این گونه نیست. معمولاً اکثر آثاری که اجرا کرده‌ام نیمی از زمان آنها فارسی و نیمی دیگر آذری است. حتی عربی هم می‌خوانم. چرا که من از همان دوران کودکی و در مکتب میرزا عزیز، عربی را هم آموختم و به تدریج به آن مسلط شدم. برای همین در اجراهایی که دارم اول با عربی شروع می‌کنم و بعد با فارسی ادامه می‌دهم و بعد با آذری تمام می‌کنم. ضمن آنکه ترکی را هم به هر دو زبان ترکی آذری و ترکی

استانبولی اجرا می‌کنم.

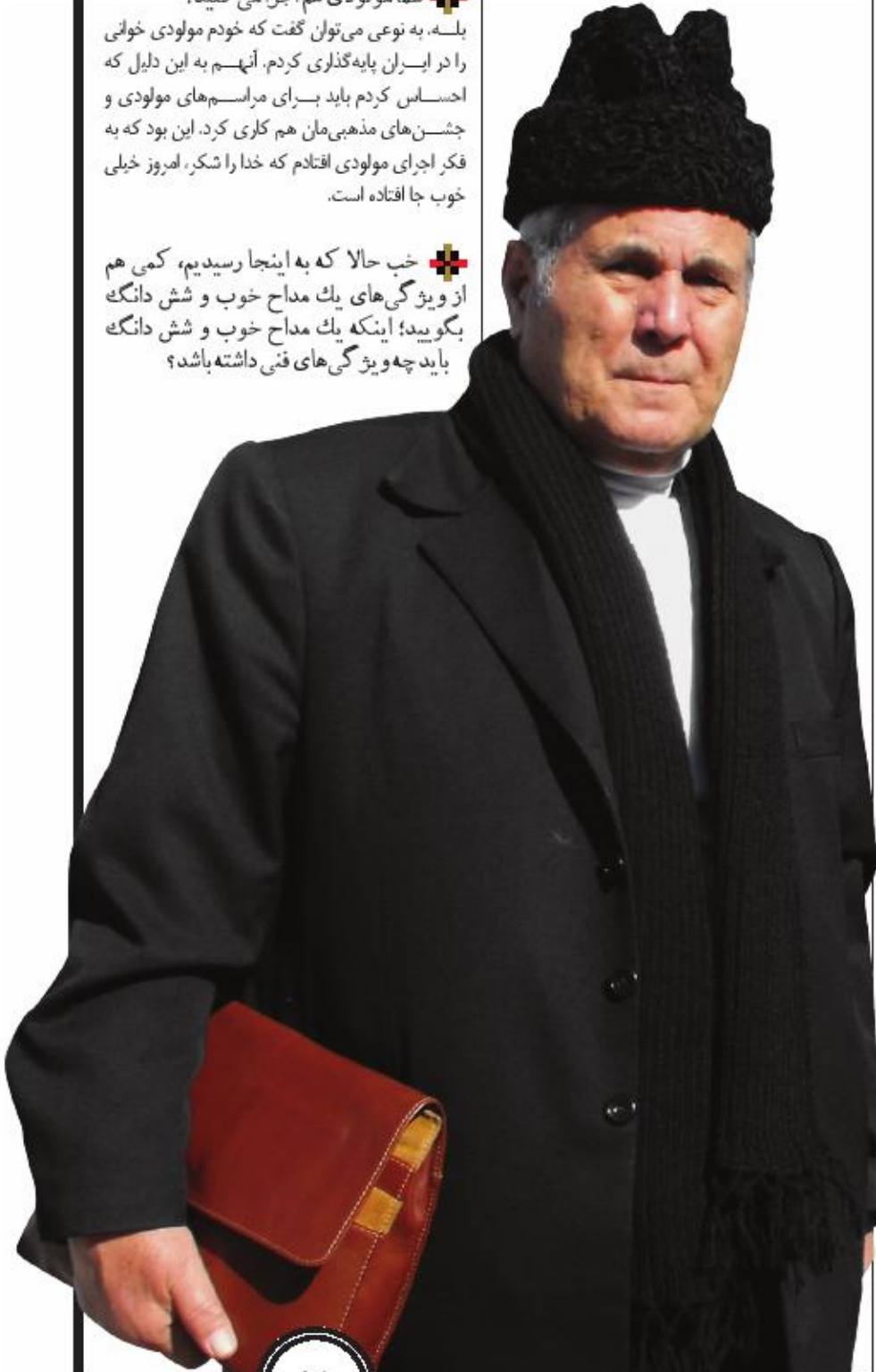
#### ✦ کلاً مداحی فارسی و آذری چه تفاوتی با هم دارند؟

برای کسی که به هر دو زبان تسلط دارد، تفاوت چندانی ندارد. البته آذری‌ها نیز سبک‌های آواز خوانی خاص خود را دارند. ولی در مجموع و به زبان ساده، مداحی‌های آذری پرسوز و گدازتر و پرشورتر از سبک‌های فارسی زبان‌هاست.

#### ✦ شما مولودی هم اجرا می‌کنید؟

بله. به نوعی می‌توان گفت که خودم مولودی خوانی را در ایران پایه‌گذاری کردم. آنهم به این دلیل که احساس کردم باید برای مراسم‌های مولودی و جشن‌های مذهبی‌مان هم کاری کرد. این بود که به فکر اجرای مولودی افتادم که خدا را شکر، امروز خیلی خوب جا افتاده است.

#### ✦ خب حالا که به اینجا رسیدیم، کمی هم از ویژگی‌های یک مداح خوب و شش‌دانگ بگوئید؛ اینکه یک مداح خوب و شش‌دانگ باید چه ویژگی‌های فنی داشته باشد؟



برخلاف تصور عامه، مداحی و نوحه خوانی کار ساده‌ای هم نیست. نوحه‌خوان باید دوره‌های آموزشی مختلفی را بگذراند. بهترین صدا، صدایی است که باعث آزار مخاطب نشود، بلکه برعکس، وی را جذب کند. الان مداحانی را می‌بینیم که بدون آنکه با فنون آواز و موسیقی آشنا باشند و قواعد کلامی را رعایت کنند، با صدای آزردهنده‌ای، مداحی می‌کنند. این مداحان نه تنها به شهرت و اعتبار خودشان ضرر می‌زنند که باعث آزرده‌گی خاطر عزاداران هم می‌شوند. صدای خوش یک نعمت الهی است. برای حفظ صدای خوش، باید اولاً باید با دستگاه‌های موسیقی آشنا بود و در دستگاه‌های موسیقی برنامه اجرا کرد، ثانیاً از مصرف مواد مخدر، سیگار و قلیان خودداری کرد.

**✚** **خب از بین مداحان کنونی چند درصد واجد این ویژگی‌های فنی و اخلاقی هستند و می‌توان به آنها لقب مداح واقعی و کار آزموده را داد؟**  
خیلی کم. شاید کمتر از تعداد انگشتان دست.

**✚** **تا کنون و سوسه نشده‌اید که با صدای استثنایی که دارید، آواز بخوانید؟ اصلاً پیشنهادی در این مورد نداشته‌اید؟**  
وسوسه که نه، چون من حنجره‌ام را وقف امام حسین (ع) کرده‌ام. برای همین هیچ علاقه‌ای به آواز خوانی ندارم. اما در مورد پیشنهاد آواز خوانی باید بگویم، تادل‌تان بخواهد پیشنهاد داشته‌ام. مثلاً قبل از انقلاب، یکی در تهران به من پیشنهاد داد تا بروم تبر خود در اجرای دستگاه‌ها را کامل کنم و بیایم برای آنها آواز بخوانم و در قبالش ماهی یک میلیون تومان هم بگیرم. ولی من قبول نکردم.

**✚** **چند فرزند دارید؟**  
سه دختر و سه پسر. گرچه پسرهایم مداحی نمی‌کنند، البته یکی از پسرهایم، یعنی «ودود» مدتی مداحی می‌کرد ولی بعد، به سمت موسیقی رفت و دیگر مداحی را ادامه نداد. با این وجود من به فرزندانم اصراری برای ادامه راهم و مداحی نمی‌کنم. چون به هر حال هر کسی علائق خودش را دارد و نمی‌توان به زور کسی را مجبور به کاری کرد.

**✚** **اگر در برنامه‌های یک‌دفعه‌ای شما بخواهند تا در کنار مداح جوانی برنامه اجرا کنید، قبول می‌کنید؟**  
بله، چرا که نه؟ بارها این اتفاق افتاده است و من هم قبول کرده‌ام و با هم یا در کنار هم برنامه اجرا کرده‌ایم. کلاً شخصاً معتمد که باید به جوان‌ها میدان داد و آنها را تشویق کرد. بنابراین بدیهی است که آنها را حمایت کنم.

**✚** **می‌گویند صدای پدر و برادران‌تان هم خاص بود. خود شما به عنوان تنها بازمانده از این خاندان، صدای پدر و برادران‌تان را چگونه توصیف می‌کنید؟**

صدای ما از لحاظ قدرت و دلنشینی اصلاً قابل مقایسه با صدای پدرم نیست. صدای ما در مقایسه با صدای پدرمان، قطره‌ای است در مقابل دریا. به عنوان مثال، مرحوم آیت‌الله حاج شیخ رحیم، من، مرحوم منعم و دلوود اذان گفته‌ایم، اما اذان ما در برابر اذان ابوی قطره‌ای از دریاست. اذان پدرم واقعا آدم را متقلب می‌کرد، مخصوصاً که وی برای نخستین بار در رادیو به صورت زنده، اذان گفت و عبارت «اشهدان علی ولی‌الله» را هم در آن قرابت کرد. البته اذان برادر حاج رحیم هم جذاب و گیرا بود. اذان وی انسان‌های بسیاری را مسلمان کرده است. همین امر، نشانه‌ای از قدرت آوای الهی او بود.

**✚** **چرا با وجود شهرتی که دارید، کمتر در برنامه‌های تلویزیونی دیده می‌شوید؟**  
هر وقت بنده را دعوت کرده‌اند رفته‌ام. بیشتر از صد برنامه از من ضبط شده است ولی نمی‌دانم چرا تنها تعداد انگشت شماری از آنها را پخش کرده‌اند! بیشتر کارهایم، از برنامه‌های شبکه‌های استانی پخش می‌شود. مثلاً همین سوم شعبان، یعنی در سالروز تولد امام حسین (ع) یکی از برنامه‌هایم از شبکه سیلان لردبیل پخش شد. البته خودم هم دلیل آن را نمی‌دانم. این را باید از مسوولان صدا و سیما پرسید.

**✚** **از بین مساجد و هیات‌هایی که در طول این سال‌ها در آنها برنامه داشته‌اید، از لحاظ «دلی»، کدام‌یک را بیشتر دوست دارید؟**  
اول از همه مسجد حاج مجید. این مسجد فضای روحانی و معنوی خاصی دارد که واقعا آدم را می‌گیرد. من عاشق این مسجد هستم. بعد از آن هم مسجد مرکزی لردبیلی‌ها و مسجد مسلم ابن عقیل را هم دوست دارم.

**✚** **در مورد قیام امام حسین (ع) مطالعه هم داشته و دارید؟**  
بله، زیاد. مگر می‌شود مداح خوبی باشید ولی در مورد امام حسین و خاندانش مطالعه نداشته باشید؟ مثلاً شعر «هنده» را نخستین بار من خواندم. آن زمان برای اجرای این شعر بیشتر از ۴۰۰ صفحه کتاب مطالعه کردم تا بفهمم واقعبیت تاریخی و دینی این رخداد چه بوده است!

**✚** **خیلی جالب است که با این سن و سال باز هم اصرار به مداحی دارید. گذشت زمان و بالا رفتن سن، تأثیری روی کیفیت و قدرت صدای‌تان نداشته است؟**

نه. به هیچ وجه. برعکس، نه تنها بالا رفتن سن هیچ تأثیری روی کیفیت صدایم نداشته، بلکه صدا و ظنین آواهایی که اجرا می‌کنم روز به روز قراتر و رساتر می‌شود. شاید به این علت که هر روز بیشتر از گذشته با «تجربه» عجیب و پخته‌تر می‌شود.

**✚** **مداحی در اردبیل را بیشتر دوست دارید یا در تهران؟**  
مداحی در تهران.

**✚** **خودتان کدام‌یک از آثارتان را دوست دارید؟**

آثار یک مداح مانند فرزندان وی هستند. سخت است که بگویند کدام یک را بیشتر دوست دارید. ولی از بین کارهایم، خودم کارهای، مدح علی، قتلگاه امام حسین، اکبرباخ، گلغروش، حضرت ابوالفضل و زینب زینب را بیشتر از بقیه دوست دارم.

**✚** **خوب شد گفتید. خیلی دوست دارم بدانم زمانی که اثر ماندگار «زینب- زینب» را اجرا می‌کردید چه حس و حالی داشتید؟**

حضرت زینب (س) شخصیت عجیبی است. یک زن دلسوخته که در لوج درد و رنج و غم و ماتم، جلوی ظلم می‌ایستد و کوتاه نمی‌آید و راه برادرش را ادامه می‌دهد. برای همین همیشه این شخصیت برای من نمادی از مظلومیت و مقاومت بوده است. روزی هم که داشتم برنامه «زینب □ زینب» را اجرا می‌کردم، وسط شعر، ناگهان به یاد مظلومیت این بانوی بزرگ دشت کربلا افتادم و بی‌اختیار بغض کردم و صدایم لرزید. برای چند لحظه از خود بی‌خود شدم و نفهمیدم چطور مجلس را پشت سر گذاشتم. بعد از چند لحظه وقتی به خودم آمدم، چند ثانیه‌ای سکوت کردم تا حالم بهتر شود. اینجا همان جایی است که شما یک سکوت چند ثانیه‌ای را بعد از لرزش صدای من می‌شنوید. بعد از این سکوت دوباره خواندن را از سر گرفتیم. حال و هوای مجلس هم بهتر از من نبود. نام و یاد زینب چنان شور و حرارتی به مجلس داده بود که من کمتر در مجالس عزاداری‌هایی که داشتم دیده بودم. همه این موارد دست به دست هم دادند تا اثری ماندگار در پاسداشت مقام زینب خلق شود. من از این بابت تا آخر عمر خدا را شاکرم.

**✚** **سوال آخر، خیلی دوست دارم که بدانم، بزرگ‌ترین آرزوی فخر الذاکریین عالم تشیع، چه آرزویی است؟**  
من عمرم را کرده‌ام و خداوند هر آنچه خواسته‌ام را به من لطف کرده و عطا کرده است. تنها آرزوی باقی مانده‌ام این است که پس از مرگم، پیکرم را با نوای نوحه «زینب - زینب» تشییع کنند و آن را در مشهد، در حرم اقامیم، سرور کریمان و مهربانان جهان، علی ابن موسی الرضا (ع)، دفن کنند. ■



حسام الدین سراج در سوگ مؤذن زاده

## گوهری که مانند نداشت

صدای سلیم مؤذن زاده اردبیلی از عشق می آمد عشقی که در میان ایرانیان به معرفت و حقیقت و اهل بیت (ع) می بینیم.

تسلط آن مرحوم به زبان عربی به او توانایی می بخشید که در کنار نوحه خوانی به زبان های ترکی و فارسی، اشعار عربی را نیز بخواند. توانایی شگفت انگیز دیگر مرحوم مؤذن زاده، خواندن ملودی های مختلف بود.

او توانایی داشت که شعر عربی را با ملودی عربی بخواند و در همان لحظه، شعری با همان مضمون را به زبان ترکی یا فارسی و با لحن و ملودی ترکی یا فارسی می خواند البته این حسی درونی بود و او این کار را بسیار روان و بدون هیچ تکلفی انجام می داد.

گاهی مدولاسیون و تغییر تواناییته در مرکب خوانی با فکر صورت می گیرد، ولی او بدون تأمل و براحته این کار را انجام می داد.

مرحوم مؤذن زاده از مقام های ترکی و دستگاه های موسیقی ایرانی شناخت کافی داشت و در مرتبه سربازی هایش آنها را به کار می بست.

صدای زیبا در خانواده ایشان موروثی تلقی می شود، ولی او لوح خوانی های ویژه ای داشت که خاص خودش بود.

همیشه نوحه اش را با صدای بیم دلنشین آغاز می کرد و آنجا که به قول خودش می خواست مجلس را آتش بزند لوح می گرفت.

به همه ایرانی های اهل معرفت و اهل نظر، درگذشت این گوهر ارزشمند را تسلیت می گویم، نبود ایشان باعث تأسف است.

مرحوم سلیم مؤذن زاده و برادر مرحومش، استاد رحیم مؤذن زاده اردبیلی با آن اذان ملائکارش از افراد استثنایی و کم نظیر روزگار بودند. او در مرتبه خوانی صاحب سبک بود؛ گوهری که شاید در آینده نیز مانند نداشتند. ■

### حاج ولی الله کلامی

# مؤذن زاده اردبیلی اسطوره مداحی ایران بود

این مراسم علاوه بر شخصیت های استانی، اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی نیز آمده بودند تا دین خود را به اسطوره مداحی ایران ادا کنند و در این سوگ بزرگ سهیم باشند.

کلامی زنجانی با اشاره به اینکه مرحوم استاد سلیم مؤذن زاده اردبیلی یک سرمایه بزرگ معنوی و دینی برای ملت ایران است، گفت: استاد سلیم مؤذن زاده اردبیلی در همه بعدهای شخصیتی بسیار بی نظیر بود که اخلاق و پاکدامنی وی سبب متحیر شدن همگان شده بود.

وی تصریح کرد: استاد سلیم مؤذن زاده اردبیلی یکی از مداحان بنام کشور بود که طرقداران بسیار زیادی در کشورهای مختلف از جمله کشور آذربایجان داشت که همیشه این مداح را برای مراسمات بزرگ کشوری دعوت می کردند.

وی در ادامه بیان کرد: صوت و نوای مرحوم استاد مؤذن زاده اردبیلی به قدری دلنشین و تاثیر گذار بود که در مراسم عزاداری امام حسین (ع) تملعی مخاطبان اعم از کودک و پیر را تحت تاثیر قرار می داد و همه با نوای دلنشین وی آرام شده و اشک بر چشمانشان جاری می شد.

کلامی زنجانی در پایان گفت: مرحوم استاد سلیم مؤذن زاده اردبیلی خدمات ارزنده ای برای کشور ایران ارائه داد که نوحه ها و مداحی های وی هم اکنون در قالب لوح های گسترده تدوین شده تا همه مردم ایران بتوانند با نواها و صداها ی دلنشین این استاد زندگی کرده و یاد آن بزرگوار را در دل هایشان زنده نگاه دارند. ■

حاج ولی الله کلامی زنجانی درباره شخصیت استاد مؤذن زاده اردبیلی اظهار داشت: صوت و نوای مرحوم مؤذن زاده اردبیلی برای همیشه در تاریخ جهان اسلام ماندگار شد و این صوت و نوا هیچوقت از خاطر ملت ایران فراموش نخواهد شد.

وی با اشاره به اینکه مرحوم استاد مؤذن زاده اردبیلی شخصیتی بی نظیر و والامقام بود، افزود: این شخصیت والامقام بیش از ۶۰ سال در دستگاه امام حسین (ع) به مداحی پرداخت و نوای دلنشین وی رونق خاصی به عزاداری های امام حسین (ع) بخشیده بود.



این مداح اهل بیت عصمت و طهارت (ع) گفت: خبر درگذشت استاد مؤذن زاده اردبیلی شوک بزرگی برای جامعه مداحان بود و من نیز از این خبر بسیار متأثر شدم و همه ملت ایران امروز در غم از دست دادن این چنین شخصیت بزرگوار به سوگ نشسته ولی به طور حتم یادش

هیچوقت از خاطر ها فراموش نمی شود.

کلامی زنجانی تصریح کرد: استاد مؤذن زاده اردبیلی اسطوره مداحی ایران بود که همیشه رونق بخش عزاداری های سرور و سالار شهیدان بود و از اینکه دیگر نمی توانیم صدای این استاد را بشنویم، بسیار متأثرم.

وی بیان کرد: ملت ایران هم اکنون با داغ و مصیبت بزرگی به خاطر از دست دادن استاد مؤذن زاده اردبیلی روبه رو شده چرا که این اسطوره به یاد ماندنی در کشور ایران در طول عمر بالارش خود دستاوردهای ارزشمندی بر جای گذاشت.

استاد کلامی افزود: مراسم تشییع و خاکسپاری استاد مؤذن زاده اردبیلی بسیار باشکوه و منظم اجرا شد و در

# فخر مداحان مغضوب رسانه ملی

علی شفقینی

عرصه است که لحن دلوودی خود را وقف اهل بیت (ع) به‌ویژه امام حسین (ع) و مصائب کربلا کرده بود.

در این میان، ذکر خاطره‌ای از ایشان خالی از لطف نیست که آن مرحوم در حضور نگارنده در یکی از مجالس عزاداری بیان کرد: «... به دعوت پادشاه بحرین به آن کشور سفر کردم و در مجلسی برایش خواندم، بعد از اتمام مراسم، گفت با این حنجره طلائی، ثروت شما چقدر است؟ جواب دادم چیزی از مال دنیا ندارم و این حنجره وقف لربایم، امام حسین (ع) است.» اما نکته قابل تأمل در زندگی سلیم مؤذن زاده با آن استعداد شگفت‌انگیز در عرصه موسیقی و مداحی این است که این بلبل خوش‌الحان آستان امام حسین (ع) که بحق لقب «فخر الذکرین» از سوی دلناختگان حسینی به ایشان داده شده، در اکثر سفرهایی که هر کدام از مسئولان کشور، مقام معظم رهبری، رؤسای جمهوری، وزراء، استناداران و... به استان اردبیل داشته‌اند، در حضورشان بدون کمترین توقفی مدیحه‌سایبی کرده است اما به‌رأسی آیا جایگاه این استاد بلامنزاع عرصه مداحی جهان تشیع، به‌عنوان مثال در صدا و سیما در مدت عمر پربرکت خود لحاظ شد؟ ■

سلیم مؤذن زاده، مداح پسر آوازه اهل بیت (ع)، دار فانی را وداع گفت و به دیار حق شتافت. درباره این مداح شهیر، مخلص و خوش‌الحان آستان سیدالشهدا (ع) گفتنی‌ها بسیار است. تمام مردم ایران: آذری، فارس، عرب، لر و بختیاری او را با نوای زیبای «زینب‌زینب» می‌شناسند. او در جوانی در شهر اردبیل و در هیأت‌های عزاداری این شهر که به «دارالولایه ایران» مشهور است، با صدای دلنشین خود، گرمی‌بخش محافل عزاداری سالار شهیدان بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همچون اکثر مداحین هم‌دوره خود که تهران و هیأت‌های آذری‌زبان آن را فرصت مناسبی برای ترویج آیین مداحی، عزاداری و زنده نگه‌داشتن نام و یاد عاشورا می‌پنداشتند پایتخت نشین شد.

در دهه ۶۰ هم‌زمان با جنگ تحمیلی با نوحه‌خوانی به‌ویژه سینه‌زنی‌های بی‌نظیر در مسجد حاج‌مخید در خیابان هلال‌احمر، زینت‌بخش مجالس حسینی شد که اتفاقاً نوحه سوزناک «زینب‌زینب» محصول همین دوره است. به یادگار ماندن دو هزار کاست (اثر) از نوحه‌خوانی‌ها و روضه‌های جلسوز این نوکر بالخالص امام حسین (ع)، حاصل بیش از نیم قرن اخلاص، تلاش و مجاهدت حاج‌سلیم مؤذن زاده در این



# دیدار با پیر غلامان و پیشکسو تان مدامحی



در ادامه دیدار با پیشکسو تان و پیر غلامان، جمعی از مداحان به همراه مدیران بنیاد دعبل در نوبت‌ها و مناسبت‌های مختلف به دیدار حاج سید کمال مرتضوی، حاج سعید علی میرزمتی، حاج علی غلامحسین محمدی، حاج علی شیخی و حاج شریف صادقی رفتند.

در این دیدارها که در منازل این بزرگواران انجام شد، جمعی از مداحان پیشکسو تان نیز حضور داشتند؛ از جمله حاج مهدی آصفی، حاج سید علی سادات رضوی، حاج احمد چینی، حاج غلامرضا قلاج، حاج مصطفی خورسند و ...

مسئولان بنیاد دعبل وظیفه خود می‌دانند در راستای تکریم پیر غلامان اهل بیت هر از چند گاهی به دیدار و عبادت این عزیزان بروند و این بسیار جای خوشحالی دارد که این سنت حسنه توسط دیگر تشکلات نیز صادقانه و مخلصانه پیگیری و برگزار گردد تا شاید بدین نحو قدم ناچیزی برای تقدیر از کسانی که عمر خود را صرف ترویج محبت اهل بیت کردند؛ برداشته شود. ■



## مدیران موسسه قدیم الاحسان در نشست گفت‌وگوی آیینی ریشه آسیب‌ها قطع رابطه مداحان نسل جدید با پیشکسوتان است

پخش شد که از خروجی‌های موسسه قدیم الاحسان بوده است. برنامه «سلام بر فاطمه علیهاالسلام» برای ایام فاطمیه و برنامه «سلام بر حسین علیه‌السلام» برای ایام محرم. همچنین سه تله‌فیلم درباره هیئت تولید شده است.

✚ دگورهای مذهبی که توسط موسسه تولید شده بسیار مورد استقبال صدلوسیما و هیئت‌ها قرار گرفته است.

✚ همایش‌های فصلی و استانی و اردوهای متعدد با اهداف آموزشی و تبلیغی از برنامه‌های مستمر موسسه است.

✚ حاج منصور ارضی معتقد است هیئت آسیب ندارد و عبارت «آسیب‌شناسی» صحیح نیست. بلکه آسیب‌سازی شده است و در واقع باید شناسایی آسیب‌سازی‌ها صورت پذیرد. بررسی‌های ما نشان می‌دهد که ریشه آسیب‌ها قطع رابطه نسل جدید ستایشگری با نسل قبل و پیشکسوتان عرصه مداحی و شعر آیینی است.

✚ اخیراً آمورت جدیدی برای موسسه قدیم الاحسان تعریف شده که عبارت است از معرفی پیشکسوتان به جوانان، و در این زمینه کتابی در دستور کار داریم.

✚ تمرکز آموزش موسسه روی سنین ۱۸ تا ۲۸ سال باهدف پرورش افراد باسواد و توانمند بوده است.

✚ از جمله نوآوری‌های موسسه در عرصه علمی، فعالیت‌های بین‌رشته‌ای است. تولید آثاری در زمینه «جامعه‌شناسی مداحی»، «روانشناسی مداحی» و «طب حنجره» از این قبیل است. ■

هفتمین جلسه از سلسله نشست‌های «گفت‌وگوی آیینی» با حضور جواد حیدری و سید علی قریشی از مدیران موسسه قدیم الاحسان و اصحاب رسانه صبح امروز در سالن اجتماعات بنیاد دعبل خزاعی برگزار شد. مهمترین مطالب بیان شده در این نشست را مرور می‌کنیم!

✚ موسسه قدیم الاحسان با پیشینه آموزشی و پژوهشی ۲۰ ساله در سال ۸۹ ثبت شد و رسماً فعالیت‌های خود را آغاز کرد. تشکیل چنین مجموعه‌ای پس از رحلت امام خمینی(ره) بیش از پیش ضروری می‌نمود.

✚ از مهم‌ترین اهداف موسسه تولید محتوای علمی در عرصه ستایشگری اهل بیت(ع) با بهره‌گیری از نخبگان حوزه و دانشگاه بوده است. موسسه با تشکیل کارگروه‌های متعدد در قم، تهران و مشهد تلاش دارد بر غنای علمی و تجربی تولیدات خود بیفزاید.

✚ تاکنون ۲۴ عنوان کتاب در موضوعات مرتبط با عرصه مداحی و شعر منتشر شده است. همچنین ۲۰ جلد درس‌نامه از اساتیدی که در مناسبت‌های مختلف در موسسه برنامه داشته‌اند آماده شده که در دست تدوین و انتشار است.

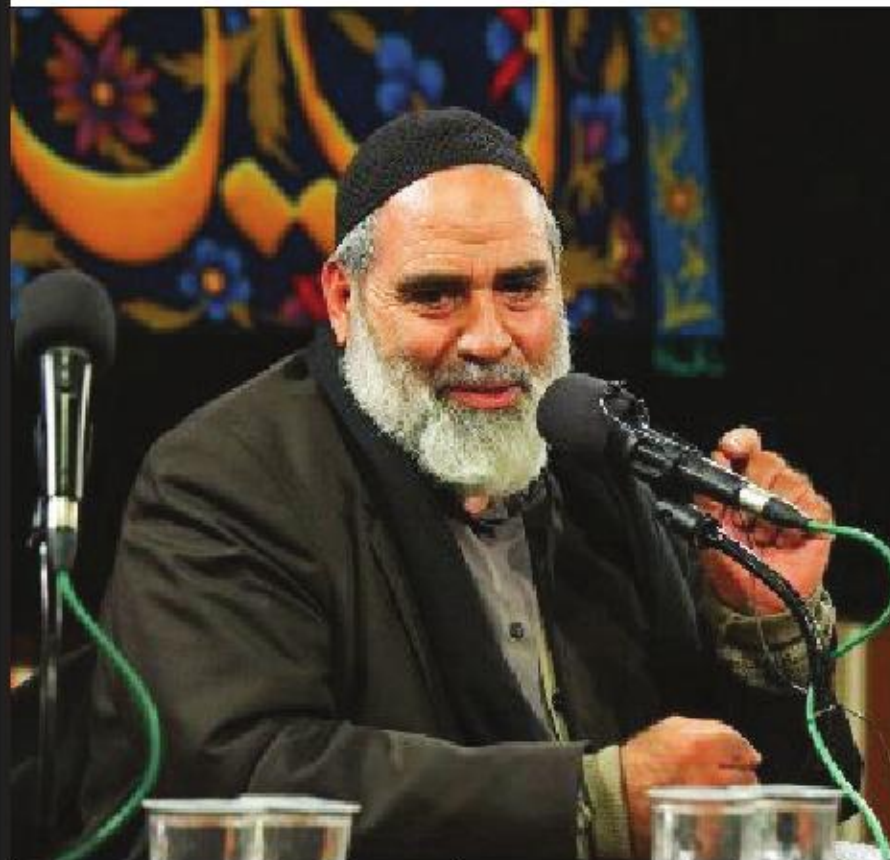
✚ همواره این نکته را سرلوحه خود قرار دادیم که انقلاب اسلامی باید تراز هیئت باشد نه هیئت تراز انقلاب اسلامی. در حال حاضر و در حد تئوری، تراز انقلاب اسلامی و هیئت نزدیک و مطلوب است ولی در عمل فاصله زیادی دارد.

✚ اخیراً برای اولین بار برنامه آموزش مداحی در صدلوسیما



حاج یدالله بهتاش در نشست انتقال تجربیات مداحی

# حد و حدود نوحه خوانی را یاد بگیریم تا ترانه خوان نشویم



نشست «انتقال تجربیات مداحی» در قالب سلسله جلسات «مدرسه دعبل» با حضور حاج یدالله بهتاش و جمعی از مداحان اهل بیت(ع) در سالن اجتماعات بنیاد دعبل خزاعی برگزار شد.

حاج یدالله بهتاش با طرح این سوال که عوامل اثرگذاری و ماندگاری مداحان چیست و چگونه می توان شهرت و محبوبیت را با هم کسب نمود به بیان مطالبی پرداخت که گزیده آنها را مرور می کنیم:

❖ اخلاص رمز ماندگاری در همه امور و از جمله در مداحی است. هر چه در راه خدا استفاده شود ماندگار خواهد شد. ما باید تلاشمان برای خدانمایی باشد نه خودنمایی!

❖ صداقت و راست خواندن اهمیت فوق العاده ای دارد. مرحوم محدث نوری در کتاب لؤلؤ و مرجان برای پله اول و دوم منبر که برای ما روضه خوانهاست دو شرط برمی شمرد که عبارتند از خلوص و صداقت.

❖ مطالعه مداوم داشته باشید. مداحان باید حداقل یکدوره مطالعه زندگانی چهارده معصوم داشته باشند. از درون این مطالعات فضایل، کرامات و روضه های اهل بیت(ع) را در قالب فیش استخراج و استفاده نمایید.

❖ در مجالس حدیث مستند بخوانید. بنده در یکی از مجالسی که خدمت مقام معظم رهبری بودم در ضمن اشعارم حدیثی خواندم ایشان تایید فرمودند و تاکید کردند که موعظه خوبی بود اینها را برای مردم بگویید.

❖ مداحان باید اخلاق مدار باشند. مردم بیش از آنکه به خواندن ما دقت کنند به رفتار و کردار ما توجه دارند. ما باید مردم و حتی همسر و فرزندانمان را با اخلاق حسنه به دین علاقمند کنیم.

❖ مداحان باید قدر و جایگاه خود را بشناسند.

❖ مراقبت از خانواده بسیار مهم و از مولود اثرگذار در موفقیت مداحان است.

❖ موسیقی مبتذل نمی شود مردم را اهل بیتهی کرد. بنده با سبک جدید و نوآوری مخالف نیستم اما باید تابع احکام مداحی باشیم و به نظرات رهبری و مراجع توجه کنیم تا دچار انحراف نشویم.

❖ توجه نماییم که با امکانات و تجهیزات جدید، مجالس خصوصی مداحی ما دیگر خصوصی نمی ماند. پرهیز از غلو در حال حاضر اهمیت دوچندان دارد. بفرمائید رهبری شمشیر دشمن را تیز نکنیم. توهین به بزرگان اهل سنت منجر به بریدن سر شیعیان در کشورهای دیگر می شود. ما اینجا مداحی می کنیم در جای دیگر انتحاری انجام می دهند.

❖ مطالب و عباراتی که متناسب با شأن و کرامت اهل بیت(ع) نیست بیان نکنیم. ■

❖ مجالس ما خالی از امر به معروف و نهی از منکر نباشد. کما اینکه رهبری فرمودند مجالس خالی از موعظه نباشد. در قالب حدیث یا شعر یا تاریخ، حضرت سیدالشهداء علیه السلام شهید نشدند که ما گریه کنیم. هدف ایشان امر بمعروف و نهی از منکر بوده است. هر چند که روضه و گریه هم فضیلت بسیار دارد ولی هدف نیست.

❖ لرزش جایگاه خود و وقت مردم را در نظر داشته باشید. وقتی یک مداح در یک جلسه نیم ساعته که صدنفر در آن هستند برنامه دارد. به اندازه صدتا نیم ساعت وقت مردم در اختیار اوست و مسئول است.

❖ احکام مداحی را یاد بگیریم. حد و حدود نوحه خوانی را یاد بگیریم تا ترانه خوان نشویم. اینکه در مجالس شادی چه آهنگی اجرا شود و اینکه دست زدن در مجالس و مساجد چگونه باید باشد اهمیت دارد. با

# لزوم بازنمایی مناسک آیینی در تلویزیون

شده مراجع تقلید با ثابته شمار در حاشیه آن برنامه پخش می‌شود و این تلقی را به مخاطب می‌داد که این برنامه پس از چند دقیقه تمام می‌شود و مخاطب باید چند دقیقه‌ای را تحمل کند. به نظر من این گونه برنامه‌سازی‌های مناسبی با ثابته شمار توهین به آن مرجع تقلید است. شاید مدیر برنامه آن مرجع تقلید متوجه این مسأله نشده باشد و برنامه‌سازان نیز خواسته‌اند با ساخت و پخش این برنامه برخی را اقناع کنند، در حالی که پخش این گونه برنامه‌ها با چنین رویه‌ای بیشتر اثر تخریبی دارد. این امر نشان می‌دهد هنوز این برنامه‌ها را نشناخته‌ایم، از طرف دیگر مناسک آیینی مخاطب خاص خود را دارد. برخی از مردم به دلیل اعتقادات شخصی خود درباره امام معصوم (ع) به زیارتگاه‌ها و اماکن مذهبی می‌روند و با آن امامان سخن می‌گویند، اگر کسی این باور را نداشته و یا از آن اطلاعی نداشته باشد، سخن گفتن آن فرد را درک نمی‌کند. نباید این نکته را از یاد ببریم که مناسک دینی با باورهای عمومی و پیش‌زمینه‌های اعتقادی معنا پیدا می‌کنند در نهایت این رفتارهای دینی یک رفتار فولکلوریک است.

## شادی و عزادار تلویزیون

ادبیات محفلی و خاص با ادبیات خصوصی یکی نیست. اصولاً ادبیات خاص به حوزه عام تعلق ندارد. این ادبیات در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی و حتی زبان‌های حرفه‌ای و شغلی نیز صدق می‌کند. یکی از دستورات در ادبیات دینی حفظ اسرار است یعنی متناسب با درک و دریافت مخاطب سخن گفتن است. «تقیه» نیز در همین راستا است که به غلط از آن به «پنهان کردن» یاد می‌شود. درک به این معنا است که مخاطب چه مفاهیمی از مسائل دارد. مخاطب تلویزیونی را در نظر بگیرید که در حالت استراحت مقابل تلویزیون نشسته و شبکه‌های تلویزیونی را عوض می‌کند و به‌طور ناگهانی در شبکه‌ای به داخل حسینیه و مسجد کشیده می‌شود که مردم در آن در حال عزاداری هستند و اتفاقاً دوربین نیز نمایی بسته از مداح و یا عزادار را نشان می‌دهد. مردم عزادار داخل حسینیه و مسجد با باور و اعتقاد مشترک کنار هم قرار گرفته‌اند و تلویزیون



بعد از انقلاب دیده شد، شهید محلاتی بود که پیش از آن تنها در مسجد منبر داشت، اما تفاوت در اینجا بود که آنها در مسجد تنها ۱۰۰ نفر شنونده و مخاطب داشتند اما در رسانه‌های مانند تلویزیون مخاطبان آنها به ۳۰ میلیون نیز می‌رسید، تفاوت تلویزیون و منبر در اینجا معلوم شد که رسانه‌های مانند تلویزیون در پوشش گسترده مخاطب گام برمی‌دارد. آنچه که باید مورد توجه قرار بگیرد این است که ذات منبر و تلویزیون با یکدیگر فرقی دارد. جنس ارتباط با مخاطب در منبر و تلویزیون با یکدیگر متفاوت است، البته طبیعتاً حداقلی از موفقیت در پخش تلویزیونی نیز وجود داشته است. به عنوان مثال برنامه‌های حجت‌الاسلام قرائتی و با برنامه‌های حجت‌الاسلام راستگو از جمله برنامه‌های موفق تلویزیونی است، همان‌طور که کلاس آنها پیش از انقلاب نیز از جمله کلاس‌های موفق دینی بوده است، این همان موفقیت حداقلی است.

## ثابته شمار برنامه‌های مراجع

در ایام ماه مبارک رمضان سخنرانی‌های ضبط

ششمین نشست از سلسله نشست‌های «گفت‌وگوی آیینی» با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا زائری، مدیر مجموعه فرهنگی سرچشمه با موضوع «رسانه و مراسم آیینی» در بنیاد دعبل برگزار شد. حاصل این نشست را می‌خوانید:

## موفقیت‌های حداقلی رسانه

تحولات اجتماعی جدید و رشد و گسترش رسانه‌های عمومی و سرعت تغییرات در رسانه‌ها باعث شده فضای جدیدی به وجود بیاید، حتی برخی از مناطق دورافتاده نیز برنامه‌های عزاداری خود را در شبکه‌های خاص خودشان منتشر می‌کنند، که پیش از این سال‌ها طول می‌کشید تا نوارهای کاست اینگونه مراسم‌ها تهیه و منتشر شود. مرحوم «کافی» نیز با نوارهای منتشر شده‌اش شهرت پیدا کرد، اما هم اکنون صوت مداحی افرادی مانند حاج محمود کریمی در اسرع وقت منتشر می‌شود و به دست عزاداران خارج از کشور نیز می‌رسد و آنها در مداحی‌های خود آن را الگو قرار می‌دهند، یا افرادی مانند آقای آقامیری با استفاده از انتشار کلیپ‌های صوتی در اینستاگرام شهرت پیدا کرده و شناخته شدند.

این فضای جدید رسانه نیاز به بازسناسی دارد و باید آن را بررسی کرد. نقش رسانه در بازنمایی هیئات مذهبی در سایت‌هایی مانند «عقیق»، «ولوت» و «دعبل» نیاز به بحث مستقل دارد. اما در بحث بازنمایی مناسک در تلویزیون باید محورهای جدیدی را طراحی کرد. یک تلقی غلطی از ابتدای انقلاب اسلامی به وجود آمده که باعث بسیاری از مشکلات حال حاضر شده است. بعد از انقلاب، فرصتی برای جریان متدین و مذهبی کشور به وجود آمد تا در رسانه‌های مانند تلویزیون حضور داشته باشند. جریان‌های مذهبی چندان تصویری از این رسانه نداشتند.

در جریان وقوع انقلاب اسلامی تنها برخی از چهره‌ها مانند امام خمینی (ره) و تنی چند از فعالان و یاران امام (ره) باور قطعی به پیروزی انقلاب داشتند و به همین دلیل یکی از اموری که بدون آمادگی وارد آن شدیم «رسانه» بود. دو شبکه تلویزیونی و رادیویی در اختیار جریان مذهبی قرار گرفت. به عنوان مثال نخستین فرد مذهبی که در تلویزیون

سید مهدی حسینی؛ شاعر آیینی

# معضل بزرگ برخی مداحان این است که اهل مطالعه نیستند



سید مهدی حسینی در دوره آموزشی سرگروه‌های حلقه‌های صالحین سازمان بسیج مداحان کشور که در مجتمع ولایت قم که با حضور جمعی از مداحان از سراسر کشور برگزار شده بود، در موضوع شعر شناسی به ارائه سخنانی پرداخت.

این شاعر آیینی اظهار داشت: مدیحه سرایی و مرثیه خوانی برای اهل بیت(ع) شاخه‌های هنری فراوانی دارد و این موضوع که مداح پای درس یک نفر بنشیند و همه مطالب را از او بیاموزد، منسوخ شده است.

وی اظهار داشت: در خصوص مقتل شناسی و مقتل خوانی هم روش‌هایی وجود دارد و باید تلاش شود که مقتل‌ها به شکل عامیانه خوانده شود. امروزه ادبیات، هشت شاخه متفاوت دارد که همه شاخه‌های آن به شکل مجزا باید آموزش داده شود؛ معیارهای انتخاب شعر یک هنر بسیار مهم برای مداحان است.

حسینی ابراز داشت: بخش عظیمی از اجراهای ما برگرفته از موسیقی‌ها است و نوحه‌هایی که امروز خوانده می‌شود قالب‌های مختلفی دارد و معیار افراد با قالب زمینه و محتوایی آن نوحه متفاوت است. حدود ۱۵ سال است که مداحان ما از این قالب‌ها استفاده می‌کنند در حالی که بسیاری از آنها تفاوت این قالب‌ها را نمی‌دانند و متأسفانه افرادی به سراغ این قالب‌ها می‌روند که از کمترین سواد ادبی بهره‌ای ندارند.

وی در ادامه گفت: در واقع نوحه سازان ما افزون بر این که اهل شعر نیستند، یک معضل بزرگ دیگر دارند و آن این است که اهل مطالعه نیستند؛ حساسیت بر روی انتخاب قالب‌های نوحه و مداحی یک ضرورت است.

استاد شعر آیینی با بیان این که مداحان بسیجی در خط مقدم دفاع از اسلام و انقلاب هستند، گفت: افرادی که دغدغه اسلام و انقلاب نداشته باشند، به هر قیمتی به دنبال جمع کردن ثروت و شهرت هستند و شما بسیجی‌های مداح در خط مقدم دفاع از این اسلام و انقلاب هستید. آنچه شما بسیجیان به عنوان زمینه، شور و واحد می‌خوانید، باید از میان بهترین‌ها انتخاب شود؛ جوانان از شما تقلید می‌کنند و اگر اشعار شما ضعیف باشد، این مداحی‌ها در تلفن‌های همراه آنان

نیز در حال پخش اوج لحظه عزاداری است. تجربه‌ای که تلویزیون مسیحی دارد این است که آنها تنها مناسبت‌های شاد را پخش می‌کنند و در مناسبت‌های شادی تصویری بسته و درشت از افراد نشان می‌دهند و از عزاداری‌ها تنها یک نمای باز و کلی را نشان می‌دهند. پخش لحظه‌ی عزاداری از تلویزیون ممکن است بیننده را منجر کند زیرا تأثیر عزاداری تنها در آن محل و بین شرکت کنندگان است.

## از تلویزیون‌های اهل سنت هم عقب‌تریم

شبکه بی بی سی، دستورالعملی کلی برای برنامه‌سازی تدوین کرده است که اتفاقاً از سوی مرکز پژوهش‌های صدا و سیما نیز ترجمه و منتشر شده است. به اعتقاد مولفان این اثر اگر می‌خواهیم برنامه‌های تاریخی بسازیم باید مجری آن برنامه را با توجه به وقایع تاریخی برنامه فردی مسن و با تجربه انتخاب کنیم تا با موضوع برنامه هماهنگی داشته باشد.

متأسفانه ساخت برنامه‌های مذهبی در تلویزیون ما جزء بی‌ارزش‌ترین برنامه‌ها به شمار می‌رود و کمترین بودجه به آن اختصاص داده می‌شود و ثبات و قانونی برای ساخت و پخش برنامه‌های مذهبی وجود ندارد. برای مجری برنامه قواعد و تمهیداتی در نظر گرفته شده اما تمهیدات برای من روحانی که قرار است در این برنامه صحبت کنم، اندیشیده نشده است.

تلویزیون‌های اسلامی در دنیا برای ترویج مذهب برنامه‌ها و مسابقات خوب دارند که البته از تجربه تلویزیون‌های مذهبی غیر اسلامی عقب هستند و تلویزیون جمهوری اسلامی ایران از تلویزیون‌های اسلامی اهل سنت نیز عقب‌تر است. نهایت کار ممکن در پخش مستقیم این است که ناظر پخش به صحبت‌های سخنران توجه می‌کند که مبادا چند واژه خاص از سوی وی مطرح شود.

## چه احساسی دارید؟

برنامه‌سازی مذهبی نیاز به یک منطق برنامه‌سازی دارد. مرجع مناسب درون افراد است اما مرجع رسانه بیرون افراد است که باید در نظر گرفته شود. اگر قرار باشد مناسب دینی را از تلویزیون نشان دهیم باید با منطق آنها را انتخاب و پخش کنیم.

مثلاً ببینید دعای کمیل از تلویزیون پخش می‌شود و گزرتگر با دوربین و نور سراغ فردی می‌رود که تحت تأثیر این دعا قرار گرفته و متاثر شده و سوال می‌کند احساس شما در این لحظه چیست؟ اما تلویزیون «المنار» در پخش دعایی مانند کمیل موفق عمل کرده است و تنها صدای ضبط شده و استودیویی خواننده دعا را با تصاویری مرتبط پخش می‌کند، اما تلویزیون ایران اصرار دارد که تصویر خواننده دعا نیز پخش شود. ۳۷ سال از کار تلویزیون در عرصه دینی می‌گذرد و باید اصول برنامه‌سازی دینی در آن بررسی شود. ■

قرار خواهد گرفت و این اشعار ضعیف در جامعه دهان به دهان می‌چرخد.

حسینی بیان داشت: یکی از اصول مهم نوحه، برانگیختن عواطف مخاطب است و کار مداح تحریک عواطف و بزرگتر از آن، برانگیختن اندیشه است؛ شعرهای خنثایی که فقط عواطف مخاطب را تحریک می‌کند، کم لطفی و خیانت به مخاطبان است. دشمنان اسلام و انقلاب وقتی دیدند که نمی‌شود هیأت‌ها را خلوت کنند، درصدد خنثی کردن هیأت‌ها برآمدند؛ امروزه بسیاری از مداحی‌ها خالی از محتوا شده و این واقعیتی است که باید پذیرفت؛ بسیج مداحان در این زمینه باید دغدغه‌مند عمل کند.

وی خاطر نشان کرد: زمزمه، یکی از بهترین قالب‌های نوحه است که ریشه صد ساله دارد؛ روضه خواندن در قسمت‌های مختلف نوحه یک اشتباه است و نباید در زمینه، واحد، دودمه و یا شور روضه خوانده شود. اگر مداحی فقط هنر شور خوانی داشته باشد، افراط کرده است؛ عیار یک مداح خوب این است که مشخص باشد چه مقدار استانداردهای مداحی را می‌شناسد.

استاد شعر آیینی اظهار داشت: ذائقه مخاطب ما عوض شده و باید از شعرهای ادبی و هنرمندانه استفاده کرد تا بتوانیم مخاطبان را بهتر و بیشتر جذب کنیم؛ نوحه باید به عنوان یک شعر تلقی شود و نباید آن را دست کم بگیریم؛ چرا که این نوحه‌ها بر سر زبان جوانان ما می‌چرخد. ■

# راوی نوحه‌های مشکین از بین ما رفت

به طور زنده پخش می‌شد.

✚ پس از مرحوم پدرم، چند سالی بنده عهده‌دار مناجات خوانی بودم؛ اما با آمدن رادیو و تلویزیون به خانه‌ها و پیشرفت امکانات صوتی، این امر کم‌رنگ و متوقف شد.

✚ خوشبختانه به سبب شاگردی پدرم نزد یکی از شاگردان حاج حسین بابا مشکین، نسخه‌های بسیار ارزشمندی از ایشان به دست ما رسیده است که شاید به جرات بتوان گفت که این نسخه‌ها فقط در دسترس تعداد معدودی قرار دارد. که بخشی از این آثار با حمایت حوزه هنری در قالب آلبومی به نام خونین دلان منتشر شد.

✚ متأسفانه افراد در برخی موارد، با رعایت نکردن چهارچوب‌ها، شعرهای نامناسب و دستگاه‌های نامتناسب، از کیفیت کار کاسته و به جای پرداختن به واقعیت‌ها، انحرافی ایجاد می‌کنند که این امر صحیح نیست. ■



برای پخش مناجات و اذان بی‌بهره بود و مردم غالباً ساعتی پیش از اذان صبح به بام‌ها رفته و مناجات خوانی می‌کردند و این امر، توسط پدر مرحوم بنده نیز انجام می‌شد؛ اما با ورود آیت الله مجد به دماوند، بلندگویی تهیه و بر بالای گلدسته مسجد نصب گردید و مناجات خوانی پدرم در سحرهای رمضان از بلندگوهای مسجد

در آستانه میلاد پیامبر خاتم(ص) پیرغلامی از دنیا رفت که گنجینه‌های از نوحه‌ها و سبک‌های قدیمی را با خود به همراه داشت. حاج عباس کیاماری ۷۱ ساله که با پیگیری‌های بنیاد دعبل در همایش پیرغلامان در بندرعباس هم شرکت کرده بود به واسطه پدرش حاج نصرالله کیاماری نوحه‌هایی از حسین بابا مشکین؛ در حافظه داشت که کمتر کسی آن سبک‌ها را به خاطر دارد.

او هم در مداحی و هم در مناجات خوانی و تعزیه خوانی متبحر بود و پس از پدرش در شهرستان دماوند، سرسلسله مشتاقان این هنر معنوی بود.

مرحوم کیاماری پیش از این مصاحبه‌ای انجام داده بود که بخش‌هایی از این گفت‌وگو را می‌خوانید:

✚ پدرم حاج نصرالله کیاماری از مداحان قدیم دماوند بود که دوره مداحی و مناجات خوانی را در تهران آموزش دیده و سال‌ها در دماوند آن را اجرا می‌کرد.

✚ در گذشته مسجد جامع دماوند از امکانات صوتی



## مداحان غرب تهران مهمان بنیاد دعبل شدند

بنیاد دعبل این افتخار را داشت که برای دومین نوبت میزبان هیئت محترم جامعه مداحان غرب تهران (صبح دوشنبه) بود. مراسم این هیئت که سال‌هاست به همت حاج اکبر بلزوبند اداره می‌شود با حضور ستایشگران و مداحان اهل بیت در سالن اجتماعات بنیاد دعبل برگزار شد. در این مراسم که در ایام میلاد نبی مکرم اسلام برگزار شد، پیرغلامان و مداحان به نغمه سرایی و مدیحه خوانی در وصف آن پیامبر خاتم(ص) پرداختند و مراسم با نماز ظهر و عصر و سفره اطعام به پایان رسید. ■

# دعبل

پیش شماره پنجم فصلنامه دعبل - دی ماه ۱۳۹۵  
 صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و هنری دعبل خزاغی ذاکران اهل بیت  
 مدیرمسئول: علی عظیمی  
 آدرس: تهران بلوار کشاورز خیابان فلسطين نرسیده به میدان فلسطين بن بست سعیدی پلاک ۲ طبقه سوم واحد ۳  
 تلفن: ۸۸۹۷۶۵۳۳ سایت: deabelnews.ir تلگرام: telegram.me/BonyadDeabel  
 اینستاگرام: www.instagram.com/bonyad\_deabel پست الکترونیکی: info@deabelnews.ir